

شرط جالب برای بخشیدن قاتل مادر

عامل قتل باید ماهی ۱۰ میلیون تومان به حساب مادر خودش واریز کند

گروه حوادث- مرجان همایونی/ فرزندان زن میان‌سالی که در جریان آتش گرفتن یک ویلا جان باخته به حرمت دست‌های پینه بسته مادر قاتل به یک شرط از قصاص قاتل مادرشان گذشتند.

به گزارش «ایران»، دوم تیر سال ۹۱ خبر آتش‌سوزی مهیبی در یک ویلا اطراف تهران به آتش‌نشانی اعلام شد و امدادگران راهی محل حادثه شدند. پس از خاموش کردن آتش مشخص شد که دوزن و یک مرد جوان به نام بابک که داخل ویلا بودند در این آتش‌سوزی جان خود را از دست داده‌اند. بررسی‌های اولیه آتش‌نشانان نشان از عمدی بودن حریق داشت.

بنابراین تیم تحقیق برای رازگشایی از این‌جنایت به سراغ مزگان صاحب ویلا رفتند که در این حادثه دچار سوختگی شده بود. وی به مأموران گفت: حدود یک سال قبل با پسر جوانی به‌نام سهراب آشنا شدم و به عقد موقت او درآمدم. اما بعد از مدتی با سهراب به مشکل برخوردم و می‌خواستم از او جدا شوم. وقتی به سهراب گفتم او مدعی شد عاشقم شده و بدون من نمی‌تواند زندگی کند. بعد هم تهدیدهایش را شروع کرد. می‌گفت اگر با او زندگی نکنم روی من اسید می‌ریزد.

زن جوان ادامه داد: روز حادثه به همراه اقوامم به ویلایم رفته بودیم که متوجه سرو صدا شدم. سهراب با ظرف بنزینی که در دستش بود به آنجا آمد. سهراب با می‌کرد که اگر حرف‌هایش را گوش ندهم، خودش را آتش می‌زند بعد هم آنجا را به آتش کشید و میممان‌های مرا به کام مرگ کشاند.

سهراب، که متهم به قتل سه نفر بود، پس از بازداشت

در تحقیقات مدعی شد که قصد جنایت نداشته و تنها می‌خواسته مزگان را بترساند. او گفت: روز حادثه با ظرف ۸ لیتری بنزین راهی ویلای مزگان شدم. می‌خواستم از او زهرچشم بگیرم، اما ناخواسته فندک را کشیدم و یک دفعه همه جا آتش گرفت.

■ **بار قصاص**

با تکمیل تحقیقات، متهم در شعبه ۷۱ دادگاه کیفری پای‌میز محاکمه رفت و به دفاع از خود پرداخت. اما به درخواست اولیای دم، سهراب به سه بار قصاص محکوم شد.

حکم سه بار قصاص متهم در دیوان‌عالی کشور مورد تأیید قرار گرفت و پرونده برای اجرا به شعبه دوم اجرای احکام دادسرای امور جنایی پایتخت ارجاع شد. در ادامه محمد شهریار، سرپرست دادسرای امور جنایی تهران، محسن اختیاری، سرپرست شعبه اجرای احکام و حمیدرضا کبایستی‌نیا، سرپرست شعبه دوم اجرای احکام دادسرای امور جنایی پایتخت با تشکیل چندین جلسه صلح و سازش بین متهم و اولیای دم قربانیان حادثه در نهایت موفق شدند رضایت خانواده پسر جوان و زن ۶۹ساله را که در این حادثه جان باخته بودند جلب کرده و آنها از قصاص سهراب گذشت کردند، اما فرزندان دیگر قربانی زن این پرونده را رضی به گذشت نشدند.

■ **شرط عجیب**

با گذشت ۹ سال از این جنایت و در حالی که همچنان تلاش برای جلب رضایت آنها ادامه داشت سرانجام دو پسر مقتول با گذاشتن یک شرط‌حاضر به گذشت شدند. شرطی که اگر محکوم آن را اجرا نکند، باید دوباره به زندان

مرد زندانی به خاطر فرزندانش بخشیده شد

گروه حوادث / مرد خشمگین که شوهر همسر

سابقش را به قتل رسانده بود در حالی از جنبه عمومی جرم محاکمه شد که توانسته بود رضایت خانواده مقتول را جلب کند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از سال ۹۶ به دنبال وقوع یک درگیری مرگبار در خیابان سردار جنگل آغاز شد. پس از آن مأموران کلانتری ۱۴۰ قاضی به محل اعزام شدند و پس از بررسی‌های اولیه، دریافتند پس از درگیری میان چند مرد یکی از آنها به نام خسرو ۴۰ ساله بشدت زخمی و به بیمارستان منتقل شده است.

در حالی که خسرو در بیمارستان تحت درمان بود اما ساعاتی بعد به خاطر شدت خونریزی فوت کرد و تحقیقات وارد مرحله تازه‌ای شد. در نخستین گام مأموران به سراغ سحر همسر مقتول که شاهد ماجرا بود، رفتند. وی در توضیح ماجرا به مأموران گفت: چند سال پیش با ۳ بچه کوچک از کیومرث جدا شدم. یک‌سال پس از آن هم با خسرو که از بستگان کیومرث بود، ازدواج کردم. چند روز قبل پدر خسرو فوت کرد و ناچار شدیم برای شرکت در مراسم ختم به شهرستان برویم. به‌خاطر شیوع بیماری کرونا تصمیم گرفتم فرزندانم را با خودم ببرم و آنها را به خانه پدرشان فرستادم. شب حادثه من و همسرم پس از بازگشت از شهرستان به مقابل خانه کیومرث رفتیم تا فرزندانم را به خانه برگردانیم، اما برادرش با چوب و قمه به ما حمله کردند و کیومرث با چاقو همسر را کشت.

فرار ۱۱ مسافر هواپیمای مراکش

فرود اضطراری هواپیمای خطوط هوایی «ایرعربیا» مراکش در اسپانیا منجر به فرار ۲۰ مسافر هواپیم‌ا شد که ساعتی بعد ۱۱ نفر از آنها دستگیر شدند.

به گزارش یورو نیوز، یک فروند ایرباس ۳۲۰ متعلق به خطوط هوایی ایرعربیا مراکش بعداز ظهر جمعه از کازابلانکا به مقصد استانبول ترکیه در حال پرواز بود که حدود ساعت ۷ شب به وقت محلی خلبان به دلیل بدحالی یکی از مسافران مجبور به فرود اضطراری در جزیره اسپانیایی پالما د مایورکا شد، اما هنگامی که درهای هواپیم‌ا برای ورود تیم امداد باز شد تا به فرد «بیمار» کمک کنند ناگهان حدود ۲۰ مسافر با سوءاستفاده از باز بودن در هواپیم‌ا خارج و از مسیر باند متواری شدند. پلیس و نیروهای امنیتی مستقر در فرودگاه بلافاصله عملیات جست‌وجوی افراد متواری را آغاز کردند و باند فرودگاه هم دست‌کم برای ۴ ساعت تعطیل شد.

به گزارش نشریه «ال پائیس» این احتمال وجود دارد که این افراد با برنامه‌ریزی قبلی به‌دحالی یکی از مسافران را بهانه‌ای برای تغییر مسیر هواپیم‌ا و فرود در اسپانیا قرار داده باشند تا بتوانند از این راه به ظاهر «ساده» اما غیرقانونی وارد خاک اسپانیا شوند.

سخنگوی دولت محلی پالما د مایورکا تاکنون بازداشت یازده نفر را در این ارتباط تأیید کرده است و عملیات جست‌وجوی دست‌کم ۹ نفر دیگر در جریان است. پلیس فرودگاه پالما د مایورک‌ای اسپانیا اعلام کرد یازده مسافر فراری را بازداشت و از آنها بازجویی کرده است.

معاینه فردی که هواپیم‌ا به علت بیماری او فرود اضطراری کرده بود هم نشان داده که وی در سلامت کامل قرار دارد. پلیس این فرد را هم روی تخت بیمارستان بازداشت کرد و بازجویی از وی به ظن کمک و همدستی در مهاجرت غیرقانونی و نقض قانون آغاز شده است، البته این فرد مشکل دیابت دارد و به‌دلیل کاهش شدید قند خون در هواپیم‌ا از حال رفته بود. او با یکی از همسفران خود بلافاصله به بیمارستان منتقل شده، ولی همراه او به محض رسیدن به بیمارستان فرار کرده است.

■ دوشنبه ۱۷ آبان ۱۴۰۰

■ سال بیست و هفتم

■ شماره ۷۷۶۷



برگردد. آنها شرط‌کردند که سهراب باید به مدت ۲ سال ماهانه ۱۰ میلیون تومان به حساب مادر خودش واریز کند. پسران مقتول این مهلت را دادند که سهراب دو ماه پس از آزادی واریز پول را شروع کند و هر ماه فیش واریز را به رئیس شعبه دوم اجرای احکام دادسرای امور جنایی پایتخت تحویل دهد.

یکی از پسران مقتول در رابطه با شرطی که او و برادرش گذاشته بودند، گفت: وقتی مادرم در این حادثه جان باخت تصمیم داشتیم که قاتل را مجازات کنیم اما بعد از اینکه سهراب به زندان افتاد، مادر پیرش تقریباً هر ماه به سراغ ما می‌آمد و با التماس و گریه می‌خواست که بچه‌اش را ببخشیم. پیرزن دستان پینه بسته‌اش را که نشان از کارگری و سختی زیاد داشت نشانمان می‌داد و می‌گفت من در خانه‌های مردم کار می‌کنم تا برای پسرم که در زندان است پول بفرستم و از شما می‌خواهم که او را ببخشید. من و برادرم وقتی غیرت این مادر را دیدیم، باخودمان گفتیم ما که مادرمان را از دست داده‌ایم، برای خوشحال کردن دل مادر دیگری، پسرش را ببخشیم. مرگ و زندگی دست خداست ما مخالف چشم در برابر چشم هستیم و وقتی خدای بزرگ گناهان بندگانش را می‌بخشد ما چرا نبخشیم، بدی را باید با خوبی جواب داد. مادر ما که از دستان رفت، حداقل مادر دیگری داغدار نشود و در نهایت با خدا معامله کردیم و هیچ پولی هم نمی‌خواهیم. قدر و جایگاه مادر خیلی بالاست و قداست دارد، بی‌شک اگر مادر ما هم زنده بود، او را می‌بخشید. فقط امیدواریم محکوم در این مدت حبس متنبه شده باشد و دیگر سمت کارهای خلاف نرود.

چرا پلیس به یک زن شلیک کرد؟

گروه حوادث / به دنبال انتشار خبر شلیک مرگبار پلیس

به یک زن جوان در اهواز نیروی انتظامی توضیحاتی در این‌باره ارائه داد. مرد جوانی به نام میلاد روز شنبه در بیان جزئیات عجیب مرگ همسرش به اینا گفت: روز جمعه نهم مهر ساعت ۱۳:۱۰ به همراه همسرم ساناز و پسر ۳ ساله‌ام آریوبرزن سوار خودروی‌مان که پژو پارس سفید رنگ بود شدیم. حین سوار شدن پسرم بهانه گرفت جلو بنشیند. ساناز گفت اشکالی ندارد راه زیادی نیست بگذار بنشیند. راهی خانه پدرم شدیم در حالی که پسرم در صندلی جلو و ساناز در صندلی عقب نشسته بودند راه افتادیم. در طول مسیر متوجه چند خودروی پلیس شدیم وقتی کنار خیابان توقف کردم تا خودروها از کنار ما عبور کنند در همین موقع یک مأمور نیروی انتظامی از خودرواش پیاده شد و اسلحه کلاشینکف را از دست سربازش گرفت و بدون هیچ تذکری از فاصله ۱۰ الی ۸۰ سانتی متری به شیشه عقب خودروی‌مان شلیک کرد. تیر از پشت گوش سمت چپ به سر ساناز اصابت کرده و از سمت راست سرش خارج شده بود. بیش از ۳ گلوله خورده بود. همسرم سه روز در بیمارستان بود و بعد جان باخت. میلاد در ادامه گفت: بعد از فوت همسرم هیچ‌کدام از عوامل انتظامی از من نه تنها دلجویی نکردند که حتی مرا برای توضیحات هم نخواستند. خودشان هم هیچ توضیحی به من ندادند. فقط پرونده شکایت ما را به اداره بازپرسی شعبه ۳ اهواز ارجاع دادند. وقتی رفتم به آنجا گفتم چرا حین توقف خودرو به ما شلیک کردید، اصلا چرا به ما شلیک کردید. مگر ما چه کرده بودیم؟ فقط گفتند دنبال سارق مسلح بوده‌اند.

■ **توضیح پلیس**

پس از انتشار این خبر، سرهنگ محسن دالوند فرمانده

انتظامی اهواز درباره تیراندازی مأموران گشت انتظامی اهواز که منجر به فوت زن جوانی شده بود گفت: ساعت ۱۱ صبح جمعه ۹ مهرماه به‌دنبال اعلام وقوع یک فقره سرقت مسلحانه طلا از خانمی در حوزه کلانتری ۲۲ اهواز توسط سرنشینان یک دستگاه پژو پارس سفید رنگ با شیشه‌های دودی آریوبرزن سوار خودروی‌مان که پژو پارس سفید رنگ مأموران پلیس در حین بررسی صحنه و گفت‌وگو با مالباخته و تأیید سرقت مسلحانه توسط سرنشینان پژو پارس سفید رنگ، بلافاصله از طریق مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰، یک فقره سرقت مسلحانه دیگر در منطقه مهدیس توسط سرنشینان همان خودرو به عوامل گشت انتظامی اعلام شد که بلافاصله مأموران پلیس به محل اعزام شدند و یک دستگاه پژو پارس سفید با شیشه‌های دودی را که شباهت کامل با خودروی سارقان داشته مشاهده کردند و راننده خودرو به محض مشاهده گشت انتظامی با سرعت از محل متواری شد.

سرهنگ دالوند در ادامه افزود: راننده خودرو با وجود شنیدن صدای آژیر اعلام هشدار و اخطار توقف بی‌توجه به مسیرش ادامه داد و مأموران پلیس برابر قانون به کارگیری سلاح اقدام به شلیک تیر هوایی کردند که راننده بازمی‌بی توجه اقدام به فرار کرد و در نهایت بعد از تقریباً یک کیلومتر و پر اثر تیراندازی همکاران خودرو متوقف شد. متأسفانه بر اثر تیراندازی مأموران به سمت خودرو یک نفر از سرنشینان (همسر راننده) مجروح و به بیمارستان منتقل شد و این محسرم راننده را چند روز کما، فوت کرد. فرمانده انتظامی اهواز ضمن اظهار تأسف و ابراز همدردی با خانواده متوفی خاطرنشان کرد: مراتب در دست بررسی است که نتیجه اقدامات اطلاع‌رسانی خواهد شد.

فاجعه انسانی در جشنواره «استرو وُرد» امریکا



داریم، وقتی این مأمور سعی داشت دست دراز کند تا یک نفر را مهار کند یا بگیرد، احساس کرد سوزنی در گردنش فرو رفته.»

«زمانی که او تحت معاینه قرار داشت از هوش رفت. پرسنل درمانی به او تارکان (ماده‌ای برای مسود کردن اثر مواد مخدر) تزریق کردند.

ساموئل پینیا رئیس اداره آتش‌نشانی هوستون گفت که ویدیوی صحنه ازدرام مرور خواهد شد تا علل هجوم جمعیت و «آنچه مانع فرار مردم» شد بررسی شود.این حادثه باعث ناغو این جشنواره شد. همچنین در هتل «ویندها

۱۳ | حوادث

اقدام خداپسندانه قاضی کرمانشاهی

برای دختر دانش آموز

گروه حوادث/ قاضی دادسرای کرمانشاه برای یک دختر دانش آموز که گوشی تلفن همراهش از سوی یک سارق معتاد شکسته بود یک گوشی و لوازم‌التحریر خرید.

به گزارش روابط عمومی دادسرای کرمانشاه، پدر این دختر دانش آموز، برای ادامه تحصیل فرزندش از طریق فضای مجازی با قرض گرفتن پول از اطرافیان اقدام به تهیه یک گوشی تلفن همراه کرده بود، اما در روزهای گذشته این دختر بچه به همراه مادرش برای خرید مایحتاج به بیرون از منزل رفته بودند که حین بازگشت در داخل کوچه مورد حمله یک سارق معتاد قرار می‌گیرند.

وقتی مادر و دختر به خانه برگشتند و ماجرای سرقت را به پدر خانواده گفتند، این موضوع سبب بروز یکسری اختلافات در بین خانواده و کشیدن کار به دستگاه قضایی شد.

قاضی کرمانشاهی با مشاهده شرایط این خانواده تلاش خود را برای صلح و سازش به‌کارگرفت و برای حل مشکل ادامه تحصیل فرزندشان نیز از همکاران دادسرای کرمانشاه کمک مالی گرفته و با این اقدام خداپسندانه ضمن تهیه یک گوشی اندروید برای دختر این خانواده، مقداری لوازم‌التحریر نیز برای وی خریداری کردند.

مرگ پسر نوجوان به خاطر یک کبوتر

گروه حوادث/ پسر نوجوان که برای گرفتن کبوتر از تیر برق فشار قوی بالا رفته بود جان باخت.

سرهنگ فرح‌الله اسداللهی، فرمانده انتظامی شهرستان نظرآباد در تشریح این خبر گفت: در پی تماس تلفنی یک شهروند با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر جان باختن نوجوان ۱۴ ساله بر اثر سقوط از تیر برق فشار قوی، مأموران پاسگاه انتظامی تنکمان به محل حادثه اعزام شدند. با انجام بررسی‌های مأموران کلانتری مشخص شد پسر نوجوان برای گرفتن کبوتر بالای تیر برق فشار قوی رفته اما دچار برق گرفتگی و سقوط شده است. مرگ این پسر بعد از انتقال به بیمارستان تأیید شد.

شکایت وکیل برای افشای راز مرگ موکل

گروه حوادث/ همزمان با شکایت یک وکیل دادگستری در رابطه با مرگ مشکوک موکلش، بازپرس جنایی دستور انجام تحقیقات برای رازگشایی از این پرونده را صادر کرد.

به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، چند روز قبل، راننده‌های عبوری در بزرگراه امام علی(ع) متوجه پیکر نیمه جان مرد جوانی در کنار بزرگراه شدند. بلافاصله موضوع به اورژانس و پلیس گزارش شد و مرد جوان به بیمارستان منتقل شد.

اما ساعاتی بعد به‌علت جراحات وارده وی تسلیم مرگ شد. وقتی موضوع مرگ مشکوک این مرد به بازپرس کشیک دادسرای شهری اعلام شد جسد برای بررسی علت مرگ به پزشکی قانونی منتقل شد و کارشناسان با شناسایی هویت وی به‌نام مهدی علت مرگ را صدمات ناشی از اصابت جسم سخت تشخیص دادند و با این احتمال که وی در سانحه رانندگی جان باخته جواز دفن او صادر شد. با گذشت چند روز از مرگ این مرد روز گذشته یک وکیل دادگستری به شعبه چهارم دادسرای امور جنایی پایتخت رفت و خواهان رسیدگی به پرونده مرگ موکلش شد. او زمانی که در مقابل بازپرس حبیب‌الله صادقی قرار گرفت، گفت: تصور می‌کنم که مهدی به قتل رسیده و با صحنه‌سازی می‌خواهند مرگ او را یک حادثه نشان دهند. من احتمال می‌دهم موکلم را در خانه مورد ضرب و شتم قرار داده و بعد از آن بدن نیمه جانش را به آنجا منتقل کرده‌اند یا اینکه در یک تصادف ساختگی وی را به کام مرگ کشانده‌اند.

وکیل جوان در خصوص این ادعایش گفت: مهدی و همسرش با هم مشکل داشتند و بعد از این ماجرا همسر مهدی به خارج از کشور رفت. اما از آنجایی که مرگ او یک حادثه اعلام و متوجه شد پلیس در جست‌وجوی او نیست دوباره به ایران برگشت تا اموال موکلم را تصاحب کند.

با این شکایت، بازپرس حبیب الله صادقی دستور تحقیق از خانواده مهدی و بازبینی دوربین‌های مداربسته اطراف محل حادثه را صادر کرد.

مادر مقتول:

قاتل پسرم را به مادرش بخشیدم

گروه حوادث/ مادری که ۴ سال قبل پسر نوجوانش در یک درگیری خونین به قتل رسیده بود با دریافت دیه از قصاص قاتل گذشت کرد. به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران» اوایل سال ۹۶ دو پسر ۱۶ ساله در یکی از روستاهای اردبیل با یکدیگر درگیر شده و در جریان این نزاع یکی از پسرها بر اثر اصابت ضربه‌های کاره به قتل رسید.

با اعلام موضوع به پلیس تحقیقات آغاز و متهم دستگیر شد. این پسر نوجوان در بازجویی‌ها ضمن اعتراف به قتل در حالی که از جرم خود ابراز پشیمانی می‌کرد گفت: بر سر یک موضوع پیش پا افتاده به هم درگیر شدیم و این اتفاق رخ داد الان هم خیلی پشیمانم و از مادر مقتول می‌خواهم مرا ببخشد.

با این حال به درخواست مادر مقتول، متهم پس از محاکمه به قصاص محکوم شد و در حالی که در کانون اصلاح و تربیت در انتظار فرا رسیدن زمان اجرای حکم بود گروه جهادی بخشایش ستاد صبر وارد عمل شده و تلاش خود را برای جلب رضایت مادر مقتول که تنها ولی دم پرونده بود آغاز کرده و سرانجام پس از گذشت حدود ۴ سال از این قتل موفق شدند وی را از اجرای حکم قصاص منصرف کنند. این زن میانسال برای اعلام گذشت از خون‌پیرش خواهان دریافت دیه شده بود که با کمک گروه بخشایش و تعدادی از نیکوکاران پول دیه فراهم شد و بدین ترتیب مادر مقتول از قصاص قاتل پسرش گذشت کرد.

مادر مقتول درباره جزئیات این پرونده به «ایران» گفت: چند سال قبل وقتی فرزندانم کوچک بودند همسرم را از دست دادم و به تنهایی با مسئولیت این زندگی سخت و تربیت فرزندان به دوش خودم افتاد. وقتی پسرم در کلاس سوم راهنمایی درس می‌خواند یک روز به من گفت که کاری پیدا کرده و می‌خواهد برای کمک به مخارج خانه مشغول به کار شود با اینکه دررش خوب بود و من هم راضی به این کار نبودم امابه خاطر اصرار بیش از حد پدرقتم. مدتی که گذشت یک روز در محل کارم بودم که از بیمارستان با من تماس گرفتند و خبر مرگ پسرم را اطلاع دادند.

از آن روز دیگر رنگ شادی را ندیدم با مرگ پسرم دنیا برای من هم تمام شده بود به همین خاطر برایش قصاص خواستم، اما مدتی بعد وقتی هیأت صلح و سازش به سراغم آمدند تا رضایت بگیرند متوجه شدم با کشتن این پسر که تقریباً همسن و سال پسر خودم بود دردم آرام نمی‌گیرد از طرفی انگار خداوند آرامش و صبری در دلم گذاشته بود تا بتوانم بهتر فکر کنم و بالاخره این پسر را به خاطر مادرش ببخشم.